

تکاپوی راست و جای خالی چپ سوسیالیست بهروز سورن

شرایط سیاسی بین المللی در ارتباط با جمهوری اسلامی آستان تحول است. اخبار سیاسی حاکی از آنست که در آینده ای نزدیک جمهوری اسلامی با دشواریهای ارتباطی با کشورهای غربی و درفازی جدید مواجه خواهد شد. خطر هجوم نظامی از سوی اسرائیل و دول حامی آن بخصوص در منطقه خلیج فارس و حاشیه های کشور نزدیکتر میشود و میتواند کشورمان را در ژرفای بحرانی عمیق بلحاظ سیاسی - اجتماعی و اقتصادی قرار دهد.

گفته شده است که حمله نظامی اسرائیل به مراکز اتمی قرار است در بهار آتی صورت گیرد. آمریکا محدودیتهای بیشتری در تردد مالی جمهوری اسلامی در این کشور ایجاد کرده است. کشتی های نظامی به این مکان نزدیکتر می ، آمریکا در منطقه خلیج فارس پس از تهدیدهای سران رژیم به بستن تنگه هرمز شوند.

سفارتهای رژیم در کشورهای منطقه مورد تعرض قرار میگیرند. نشانه ای از عقب نشینی رژیم در برابر تهدیدات موجود در دست نیست.

مانور نظامی جمهوری اسلامی نشان داد که سران نظام استقبال از بحران جدید سیاسی نظامی را در سر دارند. در امتداد نمایش نظامی جمهوری اسلامی، شاهد مانور نظامی خاکی - آبی آمریکا همراه با هشت کشور عربی حوزه خلیج فارس هستیم. همچنین ناوگان پنجم آمریکا به تنگه هرمز نزدیکتر شده است. ساده انگاری است چنانچه تصور کنیم که در استانه فاجعه ای انسانی قرار نداریم و این فعل و انفعالات در متن مناسبات دیپلماتیک و چانه زنی های سیاسی است. اشتباه است که هیولای جنگ و وقوع فاجعه ای انسانی را دستکم بگیریم. خطائی جبران ناپذیر است اگر در تدارک مواجهه با شرایط جدید دست روی دست بگذاریم و پس از وقوع حادثه اشک بریزیم.

بخش هایی از اپوزیسیون راست و معامله گر رژیم در خارج از کشور با تغذیه مالی دول ذینفع در حال سازمانیابی است. کنفرانس استکهلم از سوئی و نشست سه سازمان چپ نام و عمیقا فرصت طلب در شهر کلن برای تشکیل باصطلاح قطب چپ صورت گرفته است. هم آنها که تا کنون و در سالهای سپری شده کاسه لیبی کروی و موسوی را کرده اند.

موسوی و کروی که بازگشت به دوران طلایی امام شان خمینی را هنوز رویائی و کعبه آمال خود

میدانند. اینها و با مشام فرصت طلبانه خود دریافته اند که موج سواری بر شرایط بحرانی کنونی بدون عوامفریبی و اظهار! تعلق خود به شعار عدالت اجتماعی و برابری طلبی نمیتواند در میان اکثریت محروم ساکن کشورمان مقبولیت یابد. هم از اینرو تلاش دارند با طرح مکرر این مفاهیم بخش های بزرگتری از مردم کشورمان را در صفوف آنان قرار دهند.

بی شک طعمه و قربانی اصلی جنگ ها همواره توده ها و پابرهنگان بوده اند و مردم محروم کشورمان در صف نخست خسارات جانی و مالی قرار خواهند گرفت. در این میان چپ سوسیالیست و سازمانها و ارگانهای مدافع نهادهای اجتماعی محروم و لگدمال شده مردم کشورمان میتوانند با درک صحیح از شرایط مشخص کنونی و با ارزیابی روند سیاسی در آینده نزدیک، تدابیر مثبتی را مد نظر قرار دهند. متأسفانه بیماری دنباله روانه چپ که ریشه در تاریخ چند دهه اخیر دارد هنوز گریبان چپ را رها نکرده است.

چپ بطور کلی برای پرهیز از خطا و نابگرایی سازمانی از انتظار و مواجهه موخر با وقایع سیاسی چپ مفهومی بنام کنش را در صحنه سیاست به از موم نیاورده است. چپ دست نکشیده است سوسیالیست و حواشی آنها (بخوانیم منفردین سوسیالیست) غالباً با جاده رئالیسم بیگانه بوده است. هم اکنون مردم کشورمان در برابر مخاطرات جدی و سرنوشت سازی قرار گرفته اند. این وظیفه در برابر چپ سوسیالیست قرا گرفته است که بسهم خود و در صفوفی فشرده تر به تحلیل شرایط پرداخته، خود سازمانی کنند و سایه روشنهای آنرا شفافیت بخشند.

بسیاری بر این عقیده اند که با پیش فرض های سیاسی کنونی، بنیه چپ سزاوار تقویت شدن است. این در صورتی است که چپ بعنوان یک بلوک هماهنگ یافتنی باشد. متأسفانه نشانه هائی از این مهم در دست نیست و نمایانگر آنست که هنوز اندیشه تدارک مواجهه با شرایط نوین مزمره هم نشده است تجربه 22 بهمن و وقایع سیاسی پس از آن در برابر همه ماست و بسهم خود به نقد آن نشسته ایم. صحنه سیاست را به معامله گران و اپورتونیسیم سیاسی وا نگذاریم. این توقع که نهادهای سیاسی و با سابقه چپ همراه نخبگان مجرب سوسیالیست در این اوضاع پر تحول اندیشه ای کنند بی جا نیست. اینکه در شرایط سیاسی بغرنج و حادثه آفرین فعلی، چپ بی خانمان و غایب نباشد. اینکه جناح راست در نبود سوسیالیستهای معتقد، با جامه سبز و بی رنگ خود، خود را بنام چپ، عدالتجو و سوسیالیست واقعا موجود اما ناتوان، به افکار عمومی غالب نکند.

بهروز سورن

8.2.2012